

همسفر خاطرات ۳/

خاطرات تیم های اضطراری پزشکی دوران دفاع مقدس

(تیم دکتر محمد علی ابوترابی)

سازمان بسیج جامعه پزشکی، گردآورنده
خاطرات تیم های اضطراری پزشکی دوران دفاع مقدس (تیم دکتر ابوترابی) / گردآوری سازمان بسیج جامعه پزشکی - بازنویسی
محمد حسن شیبانی فر
سازمان بسیج جامعه پزشکی، ی ۱۳۸۸
ممسفر خاطرات، ۳
۳۰۰۰۰ ریال
۹۷۸-۶۰۰-۹۰۰۴۶-۹-۰
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات- پزشکی و بهداشت
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۵۲ DSR1۶۱۶۶
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۰۴
شماره کتابخانه ملی: ۱۸۹۹۸۴۲

هممسفر خاطرات ۳/

خاطرات تیم های اضطراری پزشکی دوران دفاع مقدس
(تیم دکتر محمد علی ابوترابی)

بازنویسی: دکتر محمد حسن شیبانی فر

ویراستار: فهیمه روح اللهی

ناشر: سازمان بسیج جامعه پزشکی

صفحه آرای: امید طباطبایی اردکانی

چاپ اول: پائیز ۱۳۸۸

شمارگان: ۴۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۰۴۶-۹-۰ ISBN: 978-600-90046-9-0

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، تقاطع بزرگراه نیاش و خیابان سنول، مجتمع نیاش،

ساختمان ۱۴۰، طبقه سوم، سازمان بسیج جامعه پزشکی

تلفن: ۶- ۲۲۶۶۱۴۴۴ نمایر: ۲۲۶۶۱۴۵۱

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس، برای سازمان بسیج جامعه پزشکی محفوظ است.



www.ketab.ir

مقدمه

«اگر جهاد فی سبیل الله و دفاع از حریم قرآن کریم و اسلام عزیز و میهن اسلامی تا مرز شهادت و طیفه ای الهی و آرمانی، انسانی است بحمدالله تعالی ملت عظیم الشان متعهد ایران از طبقات و قشرهای گوناگون، زن و مرد و کبیر و صغیر، این وظیفه را در جبهه ها بطور شایسته ایفا نمودند و با شهادت و فداکاری از ارزشهای اسلامی - انسانی خود دفاع شجاعانه نمودند» یکی از این طبقات و قشرهای جامعه که در کلام حضرت امام (ره) می توان به شایستگی از آنان یاد کرد، گروههای امداد و درمان و به عبارت دیگر تیم های اضطراری پزشکی دوران هشت سال دفاع مقدس می باشد که به محض فراخوان فرماندهان جبهه های نبرد، در کمترین زمان ممکن در اورژانس های

خط مقدم و بیمارستانهای صحرایی حاضر شده و التیام بخش زخم ها، جراحی ها و دردهای دلاور مردان عرصه نبرد اسلام ناب محمدی (ص) در مقابل جبهه کفار جهانی بودند.

فداکاری، مجاهدت و ایثار جامعه پزشکی کشور در خلق حماسه پایدار و افتخار آفرین ۸ سال دفاع مقدس و سربلندی در این امتحان الهی در دیدار گروهی از اعضای تیم های اضطراری پزشکی دوران دفاع مقدس و بسیجیان جامعه پزشکی با رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مؤید این امتحان نیکو است «فرصت مغتنمی است برای بنده که از مجموعه شما پزشکان و پرستاران و بقیه کمک کاران تیم های پزشکی که در آن دورانی که اشاره کردند، حقیقتاً آزمایش نیکویی را از خود نشان دادید، مجتمعا و حضورا اظهار تشکر و ارادت بکنم»

سازمان بسیج جامعه پزشکی به منظور ثبت و انتقال خاطرات و تجارب گران سنگ ایثارگران عرصه امداد و درمان دفاع مقدس و استمرار حرکت مقدسی که در راستای ترویج فرهنگ ایثار و جهاد و شهادت آغاز نموده، با یاری و مدد الهی توفیق حاصل نمود گوشه ای از تلاش و مجاهدت خالصانه امدادگران و درمانگران اورژانس ها و بیمارستان های صحرایی در بحبوحه عملیات های غیور مردان سپاه اسلام را از زبان اعضای یکی از تیم های اضطراری پزشکی (تیم دکتر ابوترابی) شنیده و بصورت مکتوب در جلد سوم همسفر خاطرات تقدیم جامعه پزشکی ایران اسلامی و تمامی علاقمندان ادبیات دفاع

مقدس نماید.

وظیفه خود میدانیم با گرامیداشت یاد شهید دکتر صادقان، ضمن تقدیر و تشکر از همکاری برادر بزرگوار بسیجی آقای دکتر ابوترابی و دیگر اعضای تیم ایشان، آقایان بهزاد رستگاری، دکتر احمد کاظمی، دکتر سید محسن صابر علی، دکتر مصطفی لطفی، دکتر محمد حسن افلاکیان، دکتر حیدر علی داوری، دکتر کاظمی، حاج ملا علی نورملا علی، حاج محمد علی نورمحمدی، ابوالقاسم ایمانیان، منصور همتی ها، علیرضا داوری، غلامرضا پوراسماعیلی، که با شور و شوق و احساس تعهد وقت خود را در اختیار این سازمان قرار داده و خاطرات خود را روایت کردند، مراتب قدردانی و سپاس خود را از همکاری و مشارکت سازمان بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت استان اصفهان در تدوین و چاپ این اثر گرانقدر اعلام نماییم.

سازمان بسیج جامعه پزشکی

www.ketab.ir

پیشگفتار

دکتری برای تمام فصول. این جمله‌ای است که همه‌ی دوستان و آشنایان دکتر راجع به او می‌گویند.

هر روز صبح بعد از صرف صبحانه، در ساعت هشت صبح، دکتر با دوچرخه مسیر کوتاه منزل تا مطب را - که در خیابان امام خمینی روبه‌روی پمپ و لیعصر قرار دارد - رکاب می‌زند. این مطب از سال ۱۳۵۱ تا کنون در همین محل قرار دارد. در مطب تا نزدیک ظهر بیمار می‌بیند. شاید ده، بیست و روزی که مرش شلوغ باشد، سی مریض. حدود ده سال است به خاطر بالا رفتن سنش و به قول خودش کم حوصلگی دیگر عمل جراحی انجام نمی‌دهد. و کار در بیمارستان را تعطیل کرده است. از جوانی، زمانی که در بیمارستان رحیم زاده‌ی

اصفهان هم کار را شروع کرد، حاضر نبود در بیمارستان‌های خصوصی کار کند و عمل جراحی انجام بدهد. دوستان که می‌پرسیدند چرا؟ می‌گفت: "دلم نمی‌خواهد حس قناعت در کارم تحت شعاع چیزی قرار بگیرد. در بعضی از این بیمارستان‌ها حاکمیت پول وجود دارد و این ممکن است به مرور روحیه را تغییر بدهد و بار انسان را سنگین نماید. بار سنگین زود ترخسته‌ات می‌کند."

ویزیت رسمی که سازمان نظام پزشکی اعلام کرده است، شش هزار و پانصد تومان است که البته بعضی پزشکان متخصص در همین شهر رقم‌های بالاتری هم می‌گیرند. حق ویزیتی که دکتر ابوترابی از هر بیمار دریافت می‌کند، آزاد، دوهزار تومان و با دفترچه هزار و دویست تومان است. اذان ظهر که می‌شود دکتر کار در مطب را تعطیل می‌کند و معمولاً به مسجد می‌رود. او از معتمدان نجف آباد است. با سابقه‌ی کاری، شخصیت اجتماعی و سرشناس بودن خانواده‌اش در شهر نجف آباد، بارها مردم و بسیاری از صاحب منصبان کشور - که او را می‌شناسند - از او خواسته‌اند کاندیدای نماینده‌ی مجلس بشود و یا پستی را در نهادهای وزارت بهداشت قبول کند اما او هر بار شانه خالی می‌کند و می‌گوید:

"من از پس همان سوگند نامه‌ی پزشکی‌ام در پیشگاه این مردم برآیم خدا را شاکرم."

فصل اول

یک محله‌ی خیلی قدیمی که از شصت سال پیش تا کنون و شاید خیلی قبل‌تر از این در نجف آباد اسمش پل سنگی و حوض باغ کهنه گچی است. محله‌ای با کوچه‌های ناهموار و خانه‌هایی که دو طرف کوچه‌ها با دیوارهای کاهگلی بعل به بغل هم نشسته‌اند. خانه‌هایی که به ساکنان خود وفا دارند و مثل خانه‌های امروزی نیستند که آدم‌ها چند صبحی در آنها زندگی کنند و به منزلی دیگر کوچ نمایند. این خانه‌ها درشادی و غم ساکنان خود شریک هستند و رازهای زندگی آنها را به قد عمرشان می‌دانند.

نام محله‌ی پل سنگی و حوض باغ کهنه گچی شاید برای امروزی‌ها

قدری عجیب باشد اما این نام بی دلیل نبود. یک سر محله، پل سنگی بزرگی قرار داشت که در روزهای خاصی از هفته از زیر این پل آب می‌گذشت و از روی آن مردم عبور می‌کردند. در سر دیگر محله، باغ بزرگی بود با زمین گچی و حوض بزرگی در وسط آن قرار داشت. این حوض دو روز در هفته به وسیله‌ی آبی که از زیر پل سنگی می‌گذشت پر می‌شد و مردم محله که در خانه‌هایشان آب لوله‌کشی نداشتند برای شستشوی ظروف و لباس هر روز دور حوض جمع می‌شدند. البته امروز نه از آن پل سنگی خبری هست و نه از حوض باغ کهنه گچی. همه‌ی خانه‌های محله آب لوله‌کشی دارند و دیگر هر روز مردم توی باغ و دور حوض جمع نمی‌شوند، اما اسم محله هنوز سر پل و حوض باغ کهنه گچی است.

در این محله دو تا خانه نزدیک هم قرار داشت؛ منزل آقا سید حسن رضویان و آقای یدالله یوسفی. منزل آقا سید حسن رضویان برادر خانم آقای ابوترابی - حیاطی بزرگ با سه چهار اتاق داشت که در یک اتاق، آقای ابوترابی با چهار فرزندش زندگی می‌کردند، اتاق دوم برادر کوچک ترو اتاق سوم خود آقا سید حسن رضویان. در منزل آقای یوسفی هم وضع به همین شکل بود و چند خانواده در یک حیاط با هم زندگی می‌کردند. این دو خانواده نسبت فامیلی بسیار دوری با هم داشتند که توضیحش برای بچه‌ها خیلی آسان نبود، اما آن قدر روابط صمیمانه بینشان وجود داشت که گویا برادر هستند. وقتی صدیقه اولین دختر آقای یوسفی به دنیا آمد، سید حسن رضویان که